

# مطابق آسمانی

راهی وجود نداشت تا وقتی که تو برای اولین بار آن را طی کردی و اصلا راه که می گوئیم همان رد پای تو و قدمگاه توست. اما این گونه نیست که یک بار رفته باشی و به ما تنها ردپایت را نشان دهی، که برای هر کداممان می آبی و از همان جا که ایستاده ایم دوباره راه را می پیمایی و این گونه است که هر کداممان که قدم در راه می گذاریم، لبیک گویان به دعوت تو، همسفر تومی شویم. اگر نبود رفتن تو، راه چه معنا داشت؟ از زمین به آسمان رفتن به تصور چه کسی درمی آمد؟ زمین کجا... و آسمان کجا...؟

رک: سوره نوشت های سوره مبارکه طارق، «طریقی برای سیر در آسمان». . تهران. نشر قرآن و اهل بیت. ص ۸۱-۸۰.

# نابودنی حقیقت

آسمان، آسمان است. زمین، زمین و انسان، انسان. آسمان با زمین فرق می کند، فرقی از زمین است تا آسمان. آسمان محل نزول رزق است و زمین بستر دریافت آن. آسمان محل نزول وحی است و انسان محتاج و نیازمند این وحی. وحی راه میسازد و انسان رونده ای است که باید این راه را طی کند. عالم پیراست از حقایقی که هر کدام جدا شده و متمایز است از دیگری و وحی بازگو کننده تمامی این حقایق است. حقایقی که هر چند همه در یک محورند اما در یک سطح نیستند تا کسی دچار ابهام نشود و راه را گم نکند، برهم زدن مراتب حقایق بزرگترین کیدی است که در عالم اتفاق می افتد. درست مثل این که بخواهی با پایت راهی را که مشخص شده برهم بزنی و بیوشانی تا مسافران راهشان را گم کنند و کسی به مقصد نرسد.

رک: سوره نوشت های سوره مبارکه طارق، «طریقی برای سیر در آسمان». . تهران. نشر قرآن و اهل بیت. ص ۸۱-۸۰.

# کدین جنس مهلت...

شاید فرعونى از درون تو بخواهد وسوسه ای کند و ندای حق و حقیقت را در توبه تمامی سر ببرد، سرت را رو به آسمان بلند کن و موسای وجودت را با آن نور نافذش نظاره کن؛ ببین که او هر شب عصا به دست، دق البابت می کند. و وای اگر این صدای دق الباب برایت عادت شود و آن را با وجود رسا بودن پیامش نشنوی! وای اگر غزه شوی به فردا شب، و امشب را از کف بدهی! وای اگر مهلتی که برایت فرصت است، بالای جانت شود. آماده باش! تا وقت داری آماده باش و در بگشا و به موسائیان پیوند تا او به ضرب عصایش در نیل آسمان، راه برایت بشکافد و توییستی که چگونه فرعون، خودش و کیدش غرق می شوند تو ایمن و مطمئن، دست در دست طارق وجودت، به آسمان طی طریق کنی.

رک: سوره نوشت های سوره مبارکه طارق، «طریقی برای سیر در آسمان». . تهران. نشر قرآن و اهل بیت. ص ۸۱-۸۰.

# ندبالتنگ

علی ردپا نداشت...  
لا يُسْتَبَقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَجْمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنَاقِبِهِ  
تِيخَذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا  
هیچ کس به قرابت با رسول، بر او سبقت نیافته و نه در اسلام و ایمان بر او پیشی نگرفته، و نه کسی به او در مناقب و اوصاف کمال خواهد رسید. قدم به قدم از پی رسول، راه پیمود. درود خدا بر هر دو و بر آل اطهارشان باد.

و علی تنها، با جای پای حضرت رسول گذاشت. و تنها علی راه پیمود.  
علی! طارقی که خود طریق شد:  
فَكَانُوا لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِكَ  
پس آنان راه به سوی تو بودند و مسیر به حریم خشنودی ات

قرآنت دعای نده در روز عید غدیر مستحب است

# ندبالتنگ

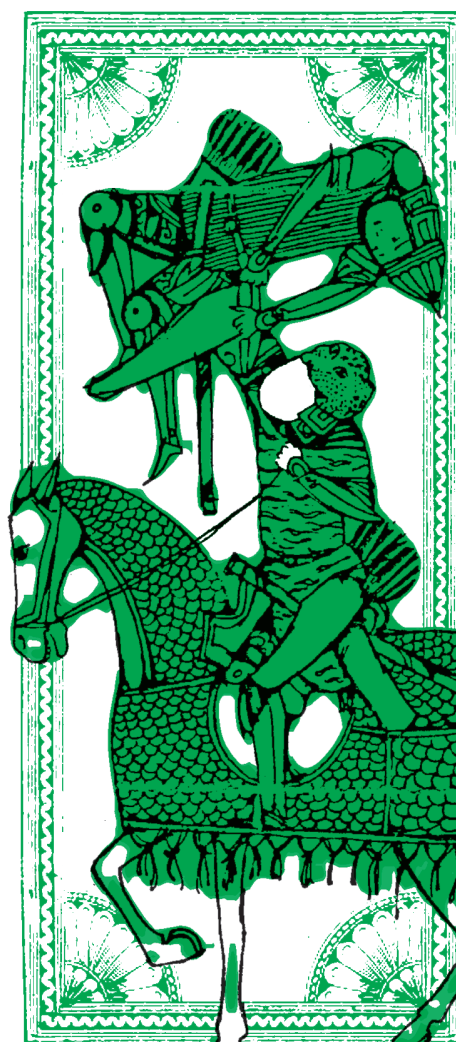
يَا بَنَ النَّبِيَّ الْعَظِيمِ، يَا بَنَ مَنْ هُوَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ، يَا بَنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْبُرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْحُجُجِ الْبَالِغَاتِ، يَا بَنَ الْقِيَمِ السَّابِغَاتِ، يَا بَنَ طَهِّ وَالْمُحْكَمَاتِ  
ای فرزند خیر عظیم؛ ای فرزند کسی که در ام کتاب نزد خدای علی و حکیم است؛ ای فرزند حجت های واضح الهی؛ ای فرزند ادله روشن حق؛ ای فرزند برهان های واضح و آشکار خدا؛ ای فرزند حجت های بالغه الهی؛ ای فرزند نعمت های عام الهی؛ ای فرزند طه و محکمات قرآن  
يَا بَنَ يَسِّ وَالذَّارِيَاتِ، يَا بَنَ الظُّلُومِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا بَنَ مَنْ ذَنِي فَتَدَلِّي فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُنُوًّا  
وَأَقْرَبًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي لَإِنِ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى  
وای فرزند یاسین و ذاریات؛ ای فرزند سوره طور و عادیات؛ ای فرزند آنکه خداوند در حقتش فرمود:  
دنی فتدلی فكان قاب قوسین او ادنی که نسبت به حضرت علی اعلاى الهی مقررترین مقام است. کاش می دانستم کجا دلها به ظهور تو آرام و قرار خواهد یافت؟

قرآنت دعای نده در روز عید غدیر مستحب است

# ندبالتنگ

أَيُّنَ مُخِيسِ مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِيهِ؟ أَيُّنَ قَاصِمِ سُبُوكَةِ الْمُعْتَدِينَ؟ أَيُّنَ هَادِمِ أَيْبَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ؟ أَيُّنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُشُوقِ وَالْعِضْيَانِ وَالظُّغْيَانِ؟ أَيُّنَ حَاصِدِ فُيُوعِ النِّعَى وَالشَّقَاقِ؟  
کجاست آنکه دین، ایمان و اهل ایمان را زنده گرداند؟ کجاست آنکه شوکت ستمکاران و متعدیان را در هم می شکند؟ کجاست آنکه بنا و سازمانهای شرک و نفاق را ویران می کند؟ کجاست آنکه فسق و عصبیان و طغیان را هلاک و نابود می گرداند؟ کجاست آنکه برای کنند ریشه گمراهی و دشمنی مهیاست؟  
أَيُّنَ طَامِسِ آثَارِ الزَّيْفِ وَالْأَهْوَاءِ؟ أَيُّنَ قَاطِعِ خِيَابِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ؟ أَيُّنَ مُبِيدِ الْعُنَاةِ وَالْمَرَدَّةِ؟ أَيُّنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِبَادِ وَالنَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ؟  
کجاست آنکه اندیشه باطل و هواهای نفسانی را نابود می سازد؟ کجاست آنکه ریسمان دروغ و افتراء را قطع خواهد کرد؟ کجاست آنکه متکبران سرکش را هلاک و نابود می گرداند؟ کجاست آنکه مردم ملحد، معاند و گمراه کننده را بیچاره کند؟

قرآنت دعای نده در روز عید غدیر مستحب است



هان مردمان!

آخرین بار است که در این اجتماع

به پا ایستاده ام.

پس بشوید و فرمان حق را گردن گذارید؛

چرا که خداوند عزّوجلّ

صاحب اختیار و ولی و معبود شماست؛

و پس از خداوند ولی شما،

فرستاده و پیامبر اوست

که اکنون در برابر شماست

و با شما سخن می گوید.

و پس از من به فرمان پروردگار،

علی ولی و صاحب اختیار و امام شماست.

آن گاه امامت در فرزندان من

از نسل علی خواهد بود.

این قانون تا برپایی رستاخیز

که خدا و رسول او را دیدار کنید دوام دارد.

هان مردمان!

آخرین بار است که در این اجتماع

به پا ایستاده ام.

پس بشوید و فرمان حق را گردن گذارید؛

چرا که خداوند عزّوجلّ

صاحب اختیار و ولی و معبود شماست؛

معاشرالتّائس،

إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهُدِ. فَاسْتَعُوا وَأَطِيعُوا وَالْفَادِيَ لِأَمْرِ اللَّهِ) رَبِّكُمْ.

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَاٰهَكُمْ. ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ السَّخَابِطُ لَكُمْ.

ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَوَلِيُّكُمْ وَأَمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ. ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ ذُرِّيَّةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِقَةَ بْنِ عَلِيٍّ وَرَسُولُهُ.

مَعَاشِرَاتِنَايَس. لَا تَصِلُوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ. وَلَا تَشْتَكُوا عَنْ وَلَا تَبْتِهِ.

فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَيَّ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ. وَيُؤَيِّضُ الْبَابِلَ وَيَنْتَهِي عَنْهُ.

وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَاتِيْمٌ. أَوَّلُ مَنْ آمَرَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَشْفِقْهُ إِلَى الْإِيْمَانِ بِِي أَحَدٌ.

وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِتَقْبِيهِ. وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ

وَلَا أَحَدٌ يَمَعُدُّ إِلَيْهِ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ عَتِيْبَةٌ أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِي.

بعد از بیست و سه سال، حضرت رحمت للعالَمین که صحبت از رفتن می کنند، چه حالی پیدا می کنی؟ شورش دلت، و آشوب درونت را چطور آرام می کنی؟ اصلا مگر می شود بی رسول نفس کشید و بدون وحی راه پیمود؟ به اضطرار می افتی. آن قدر که پیامبر مأمور اجابت تومی شود.
دوستان تورا به دور یسمان محکم گره می زند و بلند و رسا می فرماید: برای این که متعادل رشد کنی و از مسیر منحرف نشوی، باید به این هردو که میانشان جدایی هم نیست، چنگ بزنی.
بعد از رسول، برای فهم قرآن باید علی علیه‌السلام را بخوانی و برای فهم علی علیه‌السلام قرآن را.
غدیر، استجابتی است برای دعای مضطرانه ما در برهوت تاریک بی رسول! برای فهم غدیرو معنای بلند ولایت، تنها قرآن می تواند لب بگشاید. پس بیا با هم «طارق» شویم و در کلام خدا را بگویم.

سوره مبارکه طارق را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول که دارای قسم و جواب قسم است و مقوله طارق، مسیرو حفظ و نگهداری را مطرح می کند و به حقیقتی برای سیر در آسمان اشاره دارد.
دسته دوم که درباره خلقت انسان یا کیفیتی مخصوص و از بستری مشخص است و اشاره به وابستگی خلقت انسان به قدرتی است که او را در این مسیر، سیر می دهد. قدرتی که در دنیا به دو صورت قوت و نصرت انسان را یاری می کند. حافظ بودن خداوند در بستر خلقت و در سیر انسان از خلقت تا رجعتش به صورت قدرتی که بر او احاطه دارد، نمایانگر است.
در دسته سوم قول فصل بودن قرآن و کید کافران در برابر آن مطرح شده است. در اینجا توجه به معنای فصل و طارق که در هردو تمایز و وضوح ایجاد می شود، می تواند ارتباط دسته آیات را مشخص تر کند.
در واقع قرآن به عنوان قول فصل حیثیتی طارق گونه دارد و طریق می سازد.
سوره مبارکه طارق در واقع معنای همان حدیث حضرت رسول (ص) است که قرآن و عبرت را دو ثقل و همراه هدایت گرو جدایی ناپذیر دانستند.

بعد از بیست و سه سال، حضرت رحمت للعالَمین که صحبت از رفتن می کنند، چه حالی پیدا می کنی؟ شورش دلت، و آشوب درونت را چطور آرام می کنی؟ اصلا مگر می شود بی رسول نفس کشید و بدون وحی راه پیمود؟ به اضطرار می افتی. آن قدر که پیامبر مأمور اجابت تومی شود.
دوستان تورا به دور یسمان محکم گره می زند و بلند و رسا می فرماید: برای این که متعادل رشد کنی و از مسیر منحرف نشوی، باید به این هردو که میانشان جدایی هم نیست، چنگ بزنی.
بعد از رسول، برای فهم قرآن باید علی علیه‌السلام را بخوانی و برای فهم علی علیه‌السلام قرآن را.
غدیر، استجابتی است برای دعای مضطرانه ما در برهوت تاریک بی رسول! برای فهم غدیرو معنای بلند ولایت، تنها قرآن می تواند لب بگشاید. پس بیا با هم «طارق» شویم و در کلام خدا را بگویم.

سوره مبارکه طارق را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول که دارای قسم و جواب قسم است و مقوله طارق، مسیرو حفظ و نگهداری را مطرح می کند و به حقیقتی برای سیر در آسمان اشاره دارد.
دسته دوم که درباره خلقت انسان یا کیفیتی مخصوص و از بستری مشخص است و اشاره به وابستگی خلقت انسان به قدرتی است که او را در این مسیر، سیر می دهد. قدرتی که در دنیا به دو صورت قوت و نصرت انسان را یاری می کند. حافظ بودن خداوند در بستر خلقت و در سیر انسان از خلقت تا رجعتش به صورت قدرتی که بر او احاطه دارد، نمایانگر است.
در دسته سوم قول فصل بودن قرآن و کید کافران در برابر آن مطرح شده است. در اینجا توجه به معنای فصل و طارق که در هردو تمایز و وضوح ایجاد می شود، می تواند ارتباط دسته آیات را مشخص تر کند.
در واقع قرآن به عنوان قول فصل حیثیتی طارق گونه دارد و طریق می سازد.
سوره مبارکه طارق در واقع معنای همان حدیث حضرت رسول (ص) است که قرآن و عبرت را دو ثقل و همراه هدایت گرو جدایی ناپذیر دانستند.

بعد از بیست و سه سال، حضرت رحمت للعالَمین که صحبت از رفتن می کنند، چه حالی پیدا می کنی؟ شورش دلت، و آشوب درونت را چطور آرام می کنی؟ اصلا مگر می شود بی رسول نفس کشید و بدون وحی راه پیمود؟ به اضطرار می افتی. آن قدر که پیامبر مأمور اجابت تومی شود.
دوستان تورا به دور یسمان محکم گره می زند و بلند و رسا می فرماید: برای این که متعادل رشد کنی و از مسیر منحرف نشوی، باید به این هردو که میانشان جدایی هم نیست، چنگ بزنی.
بعد از رسول، برای فهم قرآن باید علی علیه‌السلام را بخوانی و برای فهم علی علیه‌السلام قرآن را.
غدیر، استجابتی است برای دعای مضطرانه ما در برهوت تاریک بی رسول! برای فهم غدیرو معنای بلند ولایت، تنها قرآن می تواند لب بگشاید. پس بیا با هم «طارق» شویم و در کلام خدا را بگویم.

سوره مبارکه طارق را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول که دارای قسم و جواب قسم است و مقوله طارق، مسیرو حفظ و نگهداری را مطرح می کند و به حقیقتی برای سیر در آسمان اشاره دارد.
دسته دوم که درباره خلقت انسان یا کیفیتی مخصوص و از بستری مشخص است و اشاره به وابستگی خلقت انسان به قدرتی است که او را در این مسیر، سیر می دهد. قدرتی که در دنیا به دو صورت قوت و نصرت انسان را یاری می کند. حافظ بودن خداوند در بستر خلقت و در سیر انسان از خلقت تا رجعتش به صورت قدرتی که بر او احاطه دارد، نمایانگر است.
در دسته سوم قول فصل بودن قرآن و کید کافران در برابر آن مطرح شده است. در اینجا توجه به معنای فصل و طارق که در هردو تمایز و وضوح ایجاد می شود، می تواند ارتباط دسته آیات را مشخص تر کند.
در واقع قرآن به عنوان قول فصل حیثیتی طارق گونه دارد و طریق می سازد.
سوره مبارکه طارق در واقع معنای همان حدیث حضرت رسول (ص) است که قرآن و عبرت را دو ثقل و همراه هدایت گرو جدایی ناپذیر دانستند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْنَهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾ وَمِمَّنْ حَبَّلَ التَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا نَزْلٌ ﴿١٤﴾

إِنهَّمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَهْمَهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٧﴾

تصور کن کسی برای اولین بار در راهی قدم بگذارد؛ آن چنان مطمئن و محکم و استوار، که گام هایش راه می سازند برای همه. مثل ستاره‌ای که در شبی تاریک می درخشد و جهت را به تومی گوید. تمام این ها را کسی چیده که حافظ و مراقب توست، تا بیایی و برسی و حتی لحظه‌ای گم نشوی. تصور کن طارق، برای تو مسیری در آسمان باز کند. این یعنی در وجود تو، توان سیر در آسمان هست. و توبه جای این که سرگردان و مضطرب دیدن و شناختن راه و چاه باشی، کافی است تسلیم نور پرزنگ طارق و مسیرو واضح او شوی.

خداوند که می داند روشش چقدر بر هدایت امت حریص است، فرمود که در روز غدیر آن طارق ثابت قدم و همراه همواره حق را به تمام مردم تاریخ معرفی کند تا دست همه شان به آسمان بلند هدایت برسد: او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان، به او سبقت نجسته ... هان مردمان! از علی رو برنمایید... هان مردمان! از علی رو برنمایید...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْنَهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾ وَمِمَّنْ حَبَّلَ التَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا نَزْلٌ ﴿١٤﴾

إِنهَّمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَهْمَهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٧﴾

رحمة للعالَمین مصمم تراز گذشته بر بلندای ستاده دست در دست علی از قرآن می گوید: از ثقل اکبر. و بار دیگر اتمام حجت می‌کند که اگر رستگاری می خواهید تنها راه نجات، تمسک به قرآن، تدبیر در آن و انجام عمل بر مبنای آن است؛ قرآن قول خداوند است؛ قول فصل و به واسطه آن حق و باطل از هم متمایز گشته و شناخته می‌شوند؛ قرآن کلامی است که بیهودگی در آن راه ندارد و هر آنچه در آن است برای رساندن انسان به هدفی مشخص است. با نشان دادن حق و باطل مبنای عمل انسان را تعیین کرده و این در روز رجعت او، ملاکی است برای تعیین جایگاهش. پیامبر ارمی بینی که دست در دست علی تنها راه رستگاری را رجوع به محکمات قرآن می داند و پیروی نکردن از متمایهات آن بدون ارجاع به محکمات؛ و این را میسر نمی داند مگر بواسطه تفسیر آیات توسط خود او و امامان پس از او! آنان ثقل اصغرند و باخبران از باطن آیات. تنها کسی که در دنیا رجوع به قرآن و مفسران حقیقی آن را مبنای عمل قرار داده در روزی که سربره‌ها آشکار می شود مشمول نصرت الهی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْنَهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾ وَمِمَّنْ حَبَّلَ التَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا نَزْلٌ ﴿١٤﴾

إِنهَّمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَهْمَهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٧﴾

برخی کلمات اگر در ساحت الهی گفته شوند دل آدم را قرص و محکم می‌کنند و به انسان حس رضایت می‌دهند و اگر در ساحت انسان بیان شود به جز عتاب و ملامت منظوری ندارند. «  کید» به معنای برنامه‌ریزی و عمل برای ضرر زدن به غیر است. که هم در ساحت انسانی بروز می‌یابد و هم در ساحت الهی. خدا به واسطه مهلتی که به کافران و منافقان تا زمان نابودی شان داده از «کید» می‌گوید. و در داور است تدبیر و برنامه‌ریزی جماعتی که رسول را به استعفا (طلب معافیت) از ابلاغ تنها طریق حفظ پس از خودش وا می‌دارد. کیدی که از کمی متقین و افزونی منافقین برمی‌خیزد و منجر به دسیسه ملامت‌گران و حيله مسخره کنندگان اسلام می‌شود. سوره طارق را که می‌خوانی خیالت راحت می‌شود؛ خود خداوند برابر این کید است و رسولش را که توانایی افشاکاری نام و نشان ایشان را دارد، دعوت به مهلت می‌کند؛ و خود نیز مهلت می‌دهد. و چه سهمگین است کیدی که از جنس مهلت باشد...»

هان مردمان!

همانا علی

و پاکان از فرزندانم

از نسل او،

یادگار گران سنگ کوچک ترند

و قرآن یادگار گران سنگ بزرگ‌تر.

هر یک از این دو

از دیگر همراه خود خبر می‌دهد

و با آن سازگار است.

آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد

تا در حوض کوش بر من وارد شوند.

هان!

بدانید که آنان امامانداران خداوند

در میان آفریدگان

و حاکمان او

در زمین اویند.

و اگر می‌خواستم

نام گویندگان چنین سخنی را بر زبان آورم

و یا به آنان اشارت کنم

و یا مردمان را به سویشان هدایت کنم

«ای آنان را شناسایی کنند» می‌توانستم.

لیکن سرگند به خدا

در کارشان کرامت نموده لب فروبستم.

با این حال خداوند

از من خشنود نخواهد گشت

مگر این‌که آن چه در حق علی علیه‌السلام

فرو فرستاده به گوش شما برسانم.

سپس پیامبر تلاوت فرمود:

«ای فرستاده! آن چه از سوی پروردگارت

برگرفته کار رسالتش را انجام نداده‌ای.

و خداوند تو را از مردمان نگاه می‌دارد.»

